

مذاخر خلق

امنیت چیست و مسئول بد امنی کیست؟

امنیت از نقطه نظر قانون عبارت از تعادل حقیقی در

بین قوا سه گانه دولت یعنی قوه اجرائیه یا کابینه

قوه مقننیه یعنی شورا ملی و یا پارلمان و قوه

قضائیه یعنی محاکم عدلی است در دیروز جهان مسود

صحنه های خونین بد امنی قرار گرفته ولی امروز لو

ملیونها عمله اعتصاب نموده و دست از کار میکشند

اثری از بد امنی دیده نمیشود زیرا دیروز در دنیا

رواج بود که مقدرات خلق را يك فرد و یا چند نفر

شرکاء با دو لبخوشش تعیین کرده هر چه میخواستند

اجرا نموده بهر که میلشان بود تا خانه مبهم تا بست

حقیقی را عقو و خادم خلق را محرم قلنداده و بدار زده

بجسوق هر کس تجاوز - برای هیچکس مسئولیتی قایل

نشده - شرف و ناموس و احترام خلق را با زیچ بدنداشته

و خود را فعال ما بیرید قلم داده و از مسئولیت و حساب

خلق و تاریخ و حق باکی نداشتند - اما این سیه روزی

تند و سخت گیری و وحشت و تولید خوف - چشم کشیدند

و دهن دوختند تا توانستند ای حق را خاموش ساختند

و مجاهدین بشریت را بکلی از بین ببرد .

طوری که تاریخ شهادت میدهد در هر گوشه کوه ارض این

تجربه نتایج تلخ و ننگینی داده و بمرو زمان طرفداران

و حامیان استبداد و زور از بیر رفته و یا قایل و

قانع گردیدند که نتایج استبداد برای طرفین و خیم و

درد ناک بوده و هیچ قره نمیتواند از آن استفاده کند

خلاصه پس از گذشتن هن ها و تجارب بسیار تلخ و تجاوز و وطن که فعلا با استفاده از آزادی قلم و مطبوعات

حاکم بر محکوم و از محکوم بر حاکم با لآخره بشوفکر

علاج این درد اساسی افتاده و آخرین نتیجه مشاهدات

بقیه در صفحه ۳

شا غلی حیدر علی "بیکار"

ستاره امید در افق مطبوعات

چندی بود که صدای نشر قانون آزادی مطبوعات و جدوجوشی

در قضای این کشور با ستانی تولید و اکنون طلوع

جواید نو بینگارنده گی نویسنده گان با درد و حساس

و طرب تر امید و کامیابی را در قضای دلها پیدا و در

بسیاری از محافل مقالات جذاب و دلچسپشان تقبل

مجلس است ما که تقریبا از بیست و پنج سال یا بیشتر

بروز نامه های عادی و رسمی خو گرفته بودیم اینک از

مطالعه مضامین زنده و تند روزنامه های جدید لذت

میریم تنها و میراه ما همین روزنامه است که توسط

آن درد های قلبی خود را بدون کدام ترس و بره دوشی

با اطلاع عامه رسانیده و برغمهای اجتماعی و اخلاقی

ما محرم میگذاوند و بعد ازین بغش و کایات ما پرداخته

و صدای ما را بلند میکنند اظهار مفاد اخلاقی و

اجتماعی و بی پرده گفتن نقایص و معایب و ملتفت -

سا ختن خلق بظلم کارها بقیما در التیام جرات

قلبی ما موثر و مفید است - از طوفی همه میدانیم که

مطبوعات آزاد در سیر ترقی و تکامل يك مملکت رول -

مهمی را بازی کرده و یگانه راز پیشرفت ممالك مترقی

ملتی که فاقد آزادی قلم و مطبوعات است نمیتواند

زود تر بظلم و معایب کار خود ملتفت گردد و لذا بحران

اجتماعی در آن خطه با لآخره طوفان هولناک بد بختی

تولید و همه چیز شانرا بباد میدهد چون روزنامه انگار

بقیه در صفحه ۲

شا غلی رحیم غفوری بقیه ستاره امید ..

گرددش زمان ... !!

گر در زمان با تحولاتی توام است که تصور قبلی در آن دشار است اگر چند صبا قبل فکر و خیال ما بیروا اجتماعی و اخلاقی برابند - امروز بیاری خدا کا ولین این تصور میجو خید که آیا روز گاری فرا خواهد رسید تا فضای آرزو و امیال بشری ما از غبار و ابرهای مظلّم او هام پاک گردیده و سیر فکر آزاد را دران مانعی نباشد - امید و اریم این جریده که قدم

بناشد شاید این تصور درانوقت جز اندیشه هوس و خیال خام مفهوم دیگری نمیداشت - اگر تصور میشد بحکم طبیعت و تسلیم لایبى در برابر اقتضای زمان زیست و زندگی مظلّم ما هم تغییر و تحولی خواهد بود شاید مشا هده اضطراب و نا ملایمات مبهمی که در سرتاسر زنده گی ما رخنه کرده و روزنه هم برای فزاون دران - متصور نبود - این خیال را نیز نقش بر آب ساخت

اگر گمان میرفت صبر و حوصله محدود انسان را بیامانه است که تضیق و فشار از حد فزون دران گنجایش ندارد شاید درانوقت ضجه و ناله ضعیف و نا رسای بیچارگان این تصور و گمان را هم خیال باقی و هوا پیمائی محض از غلط - حق را از باطل - نیک را از بد - رشت را جلوه میداد - ولی علی الرغم اینهمه نا امیدیها گردش زمان تحولاتی را با خود در محیط پدید آورد که ابتدا چهره زیبا و برازنده آنها در آینه خیال جلوه و منظور نبود - بلی برخلاف اینهمه اضطراب ها و بیقراریها اینهمه قید و بند ها - اینهمه زور گوئی و زور شنو یها اینهمه ظلم و تعدی با لآخره آه و فریاد بیچاره گان دل آسمان را شکافت و تحولی درین کنف جهان نمودار ساخت که فکر و خیال از تصور و تخیل آن عاجز بود - بلی با لآخره زمانه با این گردش مسعود و میمون خود بیداری و تکانی در کالبد بیروح و بیگر بیجان باشندگان این خاکدان دمید که میتوان آنها را آغاز زنده گی ندین

و جنبش رکود نا پذیر آینده ابنای این مرز و بوم خواند و بدان ایقان و تسلیم نمود - خوشبختانه که این گردش زمان و این تحول دوران با پدیدار شدن کواکب و لاله در آسمان ثقافت وطن عزیز نیز توام بوده اشعه درخشان آنها ظلمتکده ما را روشن و منور ساخت - نمایندگان دول آنها را مضا کرده ولی مطلق نسیان افکنده اند

مقتلس و توده بخواب رفته با درج مضامین مفید قدمهای بزرگی برداشته و به مبارزه با تمام بلیدیهها و مفاسد شماره نداء خلق تشر شد منتظریم که دواى جدید برای علاج درد و التیام جراحات و اصلاح معایب و نواقص مظلّم او هام پاک گردیده و سیر فکر آزاد را دران مانعی نباشد - امید و اریم این جریده که قدم او لین خود را میبرد در حامی ضغاف و فقراء ثابت شده و اقلادر کشیدن خاری از پای یتیمی و سیله نیکوئی گردد - ببینیم آیا بر قلوب جریحه دار ستم دیده گان - میتواند مرهمی گذارد و یا خیر - در حال منتظریم که با صراحت لجه جراید ما باحقوق حق مظلوم و روشن ساختن دیده های تاریک بین عامل موثر و خوش قدمی باشند

یقینا ازین پس در پر تو این ستاره گان زیبا تاریکترین زوایای زنده گی ما را فروغی نصیب خواهد شد و در محیط حیات توین سیاه را از سفید راست را از غلط - حق را از باطل - نیک را از بد - رشت را از زیبا - پاک را از بلید و صالح را از طالح تمیز و تشخیص خواهد بود - راهنوردان گم کرده راه را - طریق نزدیک بمنزل مقصود باز و مهیا خواهد شد بهر که موقع داده خواهد شد که راست گفته - راست رفته و به نیل آرزوها و امیال اجتماعی خود موفق آید - - آنها نیکه راحت خود را در خواب گران دیگران میجوئید ملتفت خواهند شد که پنبه غفلت را از گوش هموش بدرارند و از حق شنو ییم نکنند و الا در صورت عکس زود باشد که نداء خلق بحیث نوای حق او را به خرد آورده و از کرده پشیمان سازد

از حاشیه کتاب ملا نصرالدین - ها کولته حقوق - موسسه که با گرفتن نام کلمه حق متعلم را ازان تبصیر کند - جوانان - و طغخواهان شوخی که باید هم غازی - هم شهید و هم بخانه سلامت برسند - حقوق بشر دریونو - مایه امید و اتکاء خلق ولی چیزیکه نمایندگان دول آنها را مضا کرده ولی مطلق نسیان افکنده اند

مکتوب وارده :

شاغلی محمد آصف خان "محسنی"

ادبیات :

بعد القاب

قبلا ریاست شورا ملی من میگار را اطلاع داده بودند ولی بنده احتراماً بعرض میرسانم که تقریباً بیست روز اولتر از طرف حکومت بی بی مهرو یکنفر بلوکمتر با ۶۰-۶۲ نفر افراد عسکری در قلعه های واقع زنده بانان - دهخدا و غیره بطور محصل فوری و جبری در خانه آمده و بعنوان - اینکه اعلی حضرت معظم هما یونی جهت شکار بر سرک دهخدا تردد دارند و سرک قابل ترمیم است نفر بدهید بهمین اساس مردم بیچاره و غریب را از کار و بار و باز مانده بزور لت و کوب مه تیار کردن سرک موظف ساخته و اشخاصی را که کدام مشغولیت و عذری داشتند و از خدمت کردن کنار جویی میخواستند فی نفر ده افغانی بنام عوضی بداد ن بول مجبور کردند چنانچه از شخص این جانب که در قریه عبد العلی زنده بانان سکونت داشتم با چند نفر دیگر بول اخذ نمودند . بر علاوه از طرف تولی انضباط هوا مرکز دو نفر عسکر با یک استعلامیه در قریه های ما رسیده و مینویسند که دیوارهای دریا را از حصه باغ علی مردان الی هوا مرکز دو طرفه که ویران شده ترمیم و آینده آن را محافظت نمایند .

نداء خلق : بیگار از نقطه نظر قانون اساسی ممنوع بوده و هیچکس حق ندارد خلاف قانون بر خلق در اینبار امری نماید - ما عیناً مکتوب شاغلی محسنی را با لهجه و عبارت خودشان نشر نموده و منتظر جوابیم .

پقیه امنیت چیست ..

و تجارب و تفکر بشریت عبارت از تشکیل حکومت خلق و یا دیمو کراسیت - پس یک حکومت که توسط خلق یعنی با رای آزاد خلق تشکیل شده و نماینده اکثریت خلق بوده و نظر به قانون دیمو کراسی شورا ملی و یا مجلس عوام و کابینه وزراء را تشکیل داده و حکومت خود را در ترز خلق مسئول شناخته و خود را مجبور مداند که تمام جریانات و طرز کار و نتیجه کار خود را برای معلومات خلق نشر نماید - ضامن امنیت بوده و بر عکس تجاوز بر حقوق مردم و مخالفت با اساسات دیمو کراسی - اختناق خلق و تجاوز بر آزادی آنها موجب بدامنی شده و بدیختی با رمیاورد - پس مسئول بدامنی در مقابل خلق تاریخ و حق تجاوز و زور و گویا حکومتها بوده و اگر حکومتها از قارمول زور و تجاوز و صرف نظر و خلق را با دیمو کراسی آشنا ساخته و بگذارند که مردم آزادانه از حقوق خود دفاع نمایند امنیت قایم و بدامنی معدوم میشود

اشعار شاغلی نباتی که در جلسه افتتاحیه نامه نداء خلق توسط شاغلی استاد یعقوب خان قاسمی و رفقای شان سرانیده شده است :

بیا ای طبع اعجازیکه من شوری بسر دایم
بیا ای سینه قریادی که آتش در جگر دایم
بیا ای خامه امدادی که از غم چشم تیر دایم
بیا ای ناله آوازی که آهنگ دگر دایم
بیا اکسیر استغنا برایم بخش تاثیر
نیازم خلق را در نلزار و نه است تدبیر
نداند هر که با سر اهل دل و نوع انسان نیست
و دانند جهان آدمیت قدر چندان نیست
شب تاریک دونان را بمالم هیچ پایان نیست
برای بست طبعان دنی یک ذره و آن نیست
خدا از راه گمراهی کنده ما و انگه داری
نسا زد هیچگاه ما را دجا و ذلت و خواری
ز کار و سعی مرداندر جهان ممتاز میگردد
میان هم نشینان صاحب اعزاز میگردد
بروی او در راحت زهر سوز باز میگردد
ز محنت دور با بخت و طرب دمساز میگردد
ندارد شخص صادق یا دهر گزجا یلوسی را
بپای هر که از ترس خیانت دیده بوسی را
رسیدی ! خیر مقدم با خوش بیدان ای نداء خلق
شوی مقبول پیران و جوانان ای نداء خلق
مبارک مقدمت بر دوستداران ای نداء خلق
بود گل های رنگینت بدامان ای نداء خلق
یگوش جان و دل دایم ندایت با ابریا شد
نهای گلشن زیبا بیت شیرین و مر با شد

عجب خان - رجب خانه نباشد - گله دی درلوده چه د
منوعه شیانو جدولونه نه نشر یزی - اوس خودی
ز ره بی غمه شوه دا اعلان خودی ولوسته !
رجب خان - رجتیا چه عجب شی اوس یو بل غم بییدا
شو مالونو اعلی او ادنی خنکه معلوم شی ؟
عجب خان - وروره دا خرو آسانه خبره ده - که
د کاندار و ویل چه اعلی توتیه د ۱۳۰ افغانسی
ورکبه او که شی و ویل ادنی ده (۴۵) افغانسی
ور کسه .

خلق چه میگوید :

شاغلی آینه

خرقه پوشان همگی مست گزشتند و گزشت
هستهء ما ست که در هر سربازار بماند
کور شدیم و از مقرریها جز اینکه خالیگاه و کمبود را
بوجودی پر نماید - چیزی ندیدیم . تبدیلیها و مقرریها
ها برای این نیست که مدعای معینه بودجه را کسی
بگیرد و نامی در راس کار داشته باشد... یعنی تنها
امضایش نماید و در مجالس سنگین نشینی و سکوت .
چون کارها برای اهل آن پیش بینی نمیگردد... لهذا
فتور و رکود و پریشانی را در هر رشته طوری میبینیم
که ابداء جمع شدن نیست... طرفه تر اینکه عین
تبدیلی جنابها حکام - مرد دیگری که نو بتش میرسد
از نفهمی بر پراگنده گی موجوده افزوده و آنوقت است که
اجراء و تممیل سرچپه میروند .
در روزهای سال پیوسته روزنامه ها از نائب الحکومه ها
حکام اعلی و غیره کارمندان امر و حکم اخباری نشر
مینمایند و ما که امور کشور و جامعهء خود را در دست
این کارگردانان عالی بامید و آرزو نگرانیم - با ولع
و شوق این خبرها را گوش و حظ میبریم ...
خواننده گان گرام نیز در حافظه دارند که در صد نود
و بیشتر آن تحت همین دو عنوان درشت "هدایت و رکول"
و "کننه" آمده ... هدایات شان همانا - در باره نهال
شانی و گاهی اهمیت مفار و کننه از کدام عمارت است
که موقع تفریحی عصرانه جهت رفع خستگی اعصاب و دماغ
از کار روزیکه نکرده اند دیدن مینمایند و یا خرابی کدام
سرك و پل ... که آبادی آن درك ندارد .
شاید حرف های از قبیل فهرست سرکها و عمارات عمری
و مکاتب جدید التاسیس و تربیه اجتماعی و افزونی
مستحلات و ترقی و اصلاح در جهات دیگر را بهشت ها
گرفته و بروی ما زنند... اما محترمانه عرض میگردد...
آیا در طول این مدت از نقطهء نظر سرعت و وقت و آنهم
در قرن بیست شما آنرا کافی میدانید - و با کامالك
همجوار ما قابل مقایسه است؟

عمارات بزرگ و بارکهای شاندار برای فقیر و بوهند
بیسواد و مریض که اصلا نشاط روحی و زندگی ندارند - چه
می بخشد و این بدان ماند که عمارت دار الفنون اکسفورد
را در دشت بایر (بگوا) بیاریم و حتی کسی برای تماشا
آن پیدا نکرده - تا چه رسد به محل و طالب و یا بسر
برهنه و گرسنه يك طاقه زندگی زری ببندیم .
شما بعمار شریف بگذرید - نشانهء ترقی و پیشرفت زندگی
در يك ولایت و آنهم در وهلهء اول آب - سرکها و بوق
است .. آتش محلول میکروب های ملاریا - محرقه - و باء
بیچش های آمیبی و میکروبی - صورت دند که انسان و گاو
و خردران یکجا حقایق دارند - در سرکهای که جا نب
اند خوی و میمنه روانست موثر به تایر میوود و کابل
ریگی و خامه - برق که در عدم است... مردم میگویند
چشمهء "شفا" جهت بکار انداختن دستگاه تولید برق -
خیلی موافق است و آب "مارمل" که در نزدیکی افتاده
خیلی صحت و گوارا از کسانیکه در مشرق و هزاره و سایر
قسمتها در مقارنه ها زیسته و درست حیوانات میپوشند
حرفی هم نمیزنیم .

چرا در "کننه" هدایت و رکول " این فعالیت ها
شامل نیست و نبوده با تذکرقوق البته خواننده گان در
موضوع قضا و تخوانند فرمود اما آنچه باز قابل عرض
است این است که چرا خبر گذاری ما اهل خطابه هائی را
که هدایتها را احتوا میکند عینا نشر نمینمایند تا دیده
شود که گفتار چه بوده... و نتیجه چه بگمیدانم تا چه
وقت سنجش و نظم در تممیل کارها درك ندارد اینک اصلاح
و ترقی از کجا شروع گردد هدف و نقشه وجود نداشته و یا
از طرف کد انیکه اهل آن نیستند طرح گردد؟

شرح اشتراك

کابل : ۴ افغانی سالانه

ولایات : ۴۵ در در

خارج : ۵ دالر در

قیمت يك شماره ۵۰ پول

مطبعه : گسترش شخصی نداء خلق - کابل